

من یک دکتر هستم اما توانایی پرداخت وام تحصیلی خود را ندارم.

پس از فارغ التحصیل شدن از دانشکده پزشکی در سال ۲۰۱۳، نزدیک ۱۸۰,۰۰۰ دلار وام تحصیلی داشتم. ممکن است این مبلغ عظیمی به نظر برسد اما این مبلغ تنها ۱۰,۰۰۰ دلار بیش از وام تحصیل متوسط فارغ التحصیلان دانشکده های پزشکی امریکاست. در دوران سالهای تخصصی عملاً با فقر زندگی میگردم (با مخارج حداقل) در اپارتمان بسیار کوچکی در محله ی چینی های نیویورک و با دوچرخه سرکار میرفتم و گاه ساندویچ پس مانده مریض ها را میخوردم تا بتوانم اقساط ۷۰۰ دلاری وام تحصیلی ام را بپردازم. با اینهمه پس از پایان دوره تخصصی با کمال حیرت نه تنها کم نشد بلکه به ۱۸۸,۰۰۰ دلار افزایش یافت. یعنی کل کوششهای من حتی برای جبران بهره انباشته شده روی وام هم کافی نبوده است.

هنگام کودکی با آرزوی بیرون آمدن از زندگی نوع کارگری در فکر پزشک شدن افتادم. والدین من از مهاجران ایرانی از مناطقی روستایی آن کشورند و کوشش هرچه بیشتری برای موفقیت فرزندانشان کردند. شغل پزشکی وعده ی آینده ی بهتری در زندگی میداد. اما اکنون ۵ سال پس از فارغ التحصیلی از دانشکده پزشکی هنوز آن آینده فاصله زیادی با من دارد. من هنوز توانایی خرید خانه ندارم، هنوز با دوچرخه سرکار میروم و هنوز گاه بیش از یک یا دو وعده غذا نمیخورم تا بتوانم اقساط ۳۰۰۰ دلاری وام خود را بپردازم.

و من هم اصلاً تنها نیستم. یکی از مدرسین دوره تخصصی که چند سالی از من مسن تر است و سالی ۲۰۰,۰۰۰ دلار حقوق میگیرد، یکبار به من گفت که مجبور شده است با والدین خود زندگی کند تا توان پرداخت اقساط وام تحصیلی اش را داشته باشد. همکار دیگرم بدلیل داشتن وام تحصیلی بالا پیشنهاد ازدواجش رد شد. اما مسئله بزرگتری برای جامعه وجود دارد.

پزشکان جوان از رفتن به طرف تخصص های کم درآمد مانند کودکان و روان پزشکی امتناع می کنند در حالیکه کشور به آنها احتیاج دارد. در عوض به طرف تخصص هایی با درآمد بیشتر مانند جراحی قلب هجوم می آورند که اکنون شمار آن بیش از اندازه است. این مسئله بر انتخاب محل کار پزشکان هم اثر میگذارد. متخصصین در شهرهای بزرگ که اشتغال فراوان هست میمانند و این به ضرر شهرهای کوچک و مناطق روستایی تمام میشود. مجمع ملی بهداشت روستایی تخمین میزند که مناطق روستایی ۴۵۰۰۰ دکتر کمبود دارد و از سال ۲۰۱۰ تا به حال ۷۰ بیمارستان در مناطق روستایی تعطیل شده اند.

اگر وام تحصیلی برای پزشکان (با چنین حقوقهایی) چنین مشکل آفرین است، تصور کنید برای پرستاران، آموزگاران و دیگر فارغ التحصیلانی که درآمدهای کمتری دارند به مراتب کمتر است. در واقع یک نسل تمام به دلیل بهره سنگین وام تحصیلی در دوره های دانشگاهی و تحصیلی شدیداً زیر فشارند. دوست دارم فکر کنم که فشار بار تحصیلی دارد به پزشکان میفهماند که شکاف طبقاتی یعنی چه. برای امید داشتن دلیل وجود دارد. بعضی گروه های پزشکی در همدردی با کارگران کم درآمد به دولت فشار می آورند برنامه هایی برای کاهش فشار بر این کارگران به وجود آورند. آمار نشان میدهد که رای دهندگان فارغ التحصیل دانشگاه از حداقل دستمزد بالا، و از بستن مالیات بیشتر بر ثروتمندان و بیمه پزشکی همگانی به همان اندازه دفاع میکنند که دانشگاه نرفته ها دفاع میکنند.